

یاد و یادگار

گریده تاریخ، فرهنگ و زندگی نامه
نخبگان و مشاهیر

آشتیان

صادق حضرتی آشتیانی



سرشناسه : حضرتي، صادق، ۱۳۳۱ -
 عنوان و نام پديدآور : ياد و يادگار : نگاهی به تاريخ،
 فرهنگ و نخبگان آشتيان / صادق حضرتي آشتياني .
 مشخصات نشر : تهران: کمال اندیشه تهران ،
 ۱۳۹۹ .
 مشخصات ظاهري : ۶۰۰ ص .
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۶۵۷۱-۶
 وضعیت فهرست نویسی : فيبا
 يادداشت : کتابنامه: ص ۴۵۹-۶۰۰
 عنوان ديگر : نگاهی به تاريخ، فرهنگ و
 نخبگان آشتيان .
 موضوع : آشتيان
 موضوع : (Ashtiyani Iran)
 موضوع : آشتيان -- تاريخ
 موضوع : Ashtiyani (Iran) -- History
 موضوع : سياوشان -- تاريخ
 موضوع : Siyavashan (Iran) -- History
 رده بندي کنگره : DSR۲۰۷۱
 رده بندي ديويي : ۹۵۵/۱۳۵۵
 شماره کتابشناسي ملي : ۶۰۵۶۰۵۰



نام کتاب: ياد و يادگار

(گزیده تاريخ، فرهنگ و نخبگان و مشاهير آشتيان)

نويسنده و پژوهشگر: صادق حضرتي آشتياني

مدیر تولید: محمدجعفر نمالي آشتياني

ناشر: انتشارات کمال اندیشه

صفحه آرا: مهدي رادمهر

چاپ اول: ۱۳۹۹

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپخانه: آبنوس

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۶۵-۷۱-۶

کليه حقوق برای ناشر محفوظ است

آدرس: تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی

ابتدای خیابان روانمهر، نبش کوچه دولشاهی

ساختمان اندیشه، واحد ۶

انتشارات کمال اندیشه تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۷۳۶۶۳-۵

فهرست مطالب

پیش گفتار	۹
مقدمه استاد دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی	۱۸

بخش یکم: تاریخ و جغرافیای آشتیان و دهستان های سه گانه..... ۳۹

فصل یکم: نگاهی به جغرافیا، تاریخ و فرهنگ آشتیان ۴۱

شهرستان آشتیان.....	۴۲
پستی ها و بلندی ها (توپوگرافی).....	۴۲
آب و هوا.....	۴۳
جمعیت.....	۴۳
سابقه تاریخی.....	۴۳
وجه تسمیه.....	۴۴
معنا و مفهوم وره.....	۴۶
وره در منابع.....	۴۷
فتح وره.....	۴۷
منطقه شیعه نشین.....	۴۸
مطالعات باستان شناسی شهرستان.....	۵۰
منطقه آشتیان در دل هزاره ها.....	۵۰
منطقه آشتیان در تاریخ.....	۵۲
مغولان و ایلخانان.....	۵۴
نگاهی به کارنامه علمی و فرهنگی آشتیان در عهد صفویان.....	۵۵
آثار و ابنیه دوره صفویان، زندیان و قاجاریان.....	۵۹
منزل معتمد الایاله.....	۶۲
خانه میرزا هدایت الله وزیر دفتر.....	۶۳

فصل دوم: گزیده های از اوضاع اجتماعی آشتیان در دوره قاجار بر پایه اسناد ۶۷

فصل سوم: نظری کوتاه بر اوضاع اجتماعی آشتیان در دوره پهلوی ۸۳

فصل چهارم: دهستان سیاوشان ۹۳

آثار و نشانه های تاریخی روستاها.....	۹۴
چشمه الله وردی.....	۹۵
دستجوده.....	۹۵

فهرست مطالب

۹۵	وجه تسمیه
۹۸	جعفر آباد
۱۰۱	سیاوشان
۱۰۹	فیض آباد
۱۱۰	نجف آباد
۱۱۰	آثار تاریخی
۱۱۲	نور آباد
۱۱۲	بنای تاریخی
۱۱۴	بوده

فصل پنجم: دهستان گرکان ۱۱۵

۱۱۶	آهو
۱۲۵	بن چنار
۱۲۸	زر نوشه
۱۳۱	سقر جوق
۱۳۲	شوره
۱۳۳	گرکان
۱۴۳	محسن آباد
۱۴۸	موسی آباد
۱۴۹	نادر آباد

فصل ششم: دهستان مزرعه نو ۱۵۱

۱۵۲	امیر آباد
۱۵۳	انانچرد
۱۵۷	بهارستان
۱۵۸	خورک آباد
۱۶۱	سرهرود
۱۶۲	صالح آباد
۱۶۳	کردیجان
۱۷۰	کوشک
۱۷۱	مزرعه نو
۱۷۴	ورسان
۱۷۸	هزار آباد

فهرست مطالب

فصل هفتم: آشتیان و سیاوشان در سفرنامه‌ها ۱۷۹

سفرنامه ادیب الملک ۱۸۰

سفرنامه عضد الملک به عتبات ۱۸۲

سفرنامه عتبات عالیات، ناصرالدین شاه ۱۸۴

خاطرات حاج سیاح ۱۸۸

خاطرات بصیرالملک شیبانی ۱۸۹

سفرنامه عراق عجم ۱۹۱

تاریخ جغرافیای راه مسافرت موکب همایونی به عراق ۱۹۷

سه سال دربار ایران، یادداشت‌های دکتر فوریه ۲۰۰

خاطرات اعتماد السلطنه ۲۰۲

سفرنامه سدید السلطنه ۲۰۴

حداائق السیاح ۲۰۶

آشتیان از نگاه جلال‌الملک ۲۰۷

فصل هشتم: برخی از مباحث گذشته ۲۰۹

بخش دوم: خاندان‌های بزرگ ۲۱۹

فصل یکم: خاندان میرزای آشتیانی ۲۲۱

فصل دوم: خاندان مستوفیان (آقامحسن) ۲۵۵

فصل سوم: معاریف و مشاهیر گرکان و خاندان قزوینی ۳۰۷

فصل چهارم: خاندان اعتصامی ۳۴۹

فصل پنجم: خاندان نخعی (شاهنده) ۳۶۳

فصل ششم: خاندان دانش ۳۷۵

بخش سوم: معاریف، مشاهیر ۳۸۳

فصل یکم: دانشمندان، سخنوران و هنرمندان ۳۸۵

فصل دوم: خوشنویسان و کاتبان ۵۲۵

فهرست مطالب

۵۵۳	بخش چهارم : فهرست ها
۵۵۵	فهرست اعلام
۵۶۹	فهرست اماکن
۵۸۷	فهرست منابع و مآخذ

www.ketab.ir

پیش گفتار

کتابی که در دست دارید، ویراست دوم، نگاشته‌ای است که نخستین بار به نام *رجال و مشاهیر آشتیان*، در سال ۱۳۸۴ ش در ۲ هزار جلد به چاپ رسید و پس از چندی نایاب شد، این کتاب، معرفی بزرگان و معاریف آشتیانی و برخی رخدادهای فرهنگی و تاریخی آن دیار را در بر دارد، چاپ نخست با خطاهایی همراه شد که در سطرهای پایانی این گفتار به آنها اشاره خواهد شد. در ویرایش کنونی ضمن اصلاح اشتباه‌های چاپی، شرح و احوال بزرگان و مستوفیان گرکان، مطالب تاریخی و فرهنگی، نیز مدخل‌های درخور توجهی به کتاب افزوده شده است. جز این، در فصل‌های چند گانه، به یادداشت‌های سفرنامه نویسان و رخدادهایی از اوضاع تاریخی و فرهنگی و اجتماعی دوره قاجار و پهلوی و نیز آثار و بناهای قدیمی و باستانی روستاها سارت شده و در این راستا با بهره‌مندی از گزارش باستان شناسی سال ۱۳۸۷ ش، به اختصار مطالب، اطلاعات تازه‌ای درباره قدمت و نیز تاریخ و تمدن شهر و روستا به میان آمده است.

اینک با نگاهی به فرایند کتب، سخن از جغرافیایی است، با مردمی هنرپرور و بهره‌مند از استعداد و اندیشه‌های پاک و نیز خلایق خنثی و آثار گوناگون، فرهنگی، دینی و بناهای دیر پای. بر این اساس، تاریخ پر افتخار مین غرمان ایران، بیانگر این حقیقت است که خطه آشتیان و گرکان نه تنها زادگاه مستوفیان، منشای خوشنویسان کارآمد و خوش ذوق بوده، بلکه مولد ارباب معرفت و فضل و ادب و عرفان و اندیشه نیز بوده است. بالیدگان و برجستگان بزرگی که اکنون در جای جای این سرزمین پراوازه روی در نقاب خاک کشیده‌اند، همه مصداق این مدعایند.

در همین راستا، یکی از مسائل عمده و برجسته فرهنگی در دوران اخیر، نقطه جای سخن، شکل‌گیری کانون‌های علم و دانش و بروز انگیزه «میرزا شدن» بود، وقتی که خان زند، فرزندان آقا محسن آشتیانی را به شیراز فرا خواند و به هر یک مقام و منصبی دستور بخشید، به تدریج این خانواده کهن و اصیل در ساختار دیوان‌سالاری زندیه و قاجاریه نقش سازنده‌ای ایفا کردند و با شایستگی و تدبیر، صاحب قدرت و جایگاه شدند. پس از آن، هر یک به سلیقه و شناخت خود، نزدیکان و آشنایان خوش خط و ربط را به امور دولتی گماشتند، این روند طولی نکشید و خیلی زود ریشه دواند و روال و سنت شد، حتی شکل موروثی به خود گرفت و تا سلسله پهلوی قباله کهنه استیفا و مستوفی‌گری، همچنان به نام ایشان مثبت و مسجل بود؛ به گونه‌ای که در دستگاه مالیه آن دوره، ادعای «حق ریشه» می‌کردند و دیوان‌سالاری عهد قاجار را وامدار حذاقت و صداقت خود می‌دانستند، پیداست که برخی آنان از طریق

وابستگی و رابطه و موقعیت بزرگان که به اصطلاح سنگ ته اجاق به شمار می‌آمدند، به چنین مقام و مرتبه‌ای دست یافتند! اما نمی‌توان جوهره دانایی و کاردانی آنان را نادیده انگاشت، همین‌طور، شماری دیگر از این دودمان مانند، میرزا یوسف مستوفی الممالک و میرزا حسن مستوفی و میرزا شفیع صاحب‌دیوان، به اصطلاح دانه درشت‌ها، به دلیل خدمات و منش پاک و مردم‌گرایی، سخت مورد احترام و تکریم اهل زمانه بودند، به طوری که دیده یا شنیده نشد در طول تصدی امور دیوانی و حیات آنان، یک نفر به سایه آنان بی‌ادبی نماید. گروه دیگر، بزرگان و برآمدگان منطقه مورد نظر، انسان‌هایی هستند برخاسته از طبقه متوسط و گاه فرودست، اما با روحی تلاشگر و نستوه، که در زمینه‌های گوناگون به جایگاه ارزنده‌ای دست یافتند، در میان این گروه کلان، مورخ، شاعر، خوشنویس، فیلسوف، عارف، مجتهد، نویسنده، نقاش، پزشک و... فراوان دیده می‌شود و نباید فراموش کرد که زیر بنای چنین تحول فرهنگی به ائمه حاکمیت قاجاریان بازمی‌گردد؛ در عصر محرومیت، وقتی افرادی محلی در کوچه و بازار به چشم خود می‌دیدند که ملأهای یک لاقبای دیروز، چگونه از کاه به کهکشان رسیده‌اند و در کوی و برزن مورد احترام همگان‌اند، زمینه و انگیزه رقابت میان طبقات محروم و البته فرودست پدید آمد. بدین سان میل و رغبت توأم با حرص به سواد آموزی و فراگیری علم سیاق، به ویژه ریاضیات و فقه اسلامی، یعنی خط نویسی، افزایش چشمگیری پیدا کرد، انگیزه با سواد شدن و آراختن خدا در روح و ضمیر ساکنان به خصوص نوابوگان و جوانان شاخه زد، دیری نپایید حس برتری بودن در کسب فضیلت، ضمیر خاموش کهنسالان را روشن کرد و پیرو آن، ارکان فکری سالخوردگان، زن و مرد را هم متأثر ساخت. بنا بر گواهی اسناد و دست‌نوشته‌ها، پیشه‌ور و کشاورز در کنار فانی‌های روزانه خود، زمانی را هم به آموختن و یادگیری سواد اختصاص می‌دادند. بر این اساس رقابت صولی، توأم با عشق و علاقه و امید و نیز رسیدن به مقام میرزایی، ازدیاد مکتب‌خانه‌ها و افزایش دانش‌آموزان را رقم زد. به گونه‌ای که در هر خانواده‌ای دست‌کم یک میرزا وجود داشت.

به گواهی اسناد، زمانی که در پهنه سرزمین ایران، عفريت چهل و بیسوادى بيداد می‌کرد، قصبه آن روز آشتیان، با توجه به جغرافیای محدود خود، سهم مهمی در ایجاد کانون‌های علم و هنر داشت. مطلب دیگری که باید بدان توجه ویژه داشت، تحولات نوین فرهنگی در جامعه امروز است، در دنیای کنونی، نیاز هر ایرانی هوشمند، به ویژه جوانان پرمایه پرسشگر، به تاریخ پر تلاطم وطن و فرهنگ و تمدن دیر پای آن و نیز آشنایی با احوال بزرگان و پیشینیان خود، بیش از هر زمان دیگر جلوه‌گر شده، هم‌اندیشی و همگرایی نسل امروز در آگاهی و تقویت رابطه گذشته و حال، ضامن پایداری و هویت جامعه ایرانی است. فرزندان ایران زمین باید از اقتصاد و فرهنگ گذشتگان خود آگاهی کافی داشته باشند،

باید، بدانند پدرانشان چگونه با سختی و محرومیت زندگی می‌کردند و راز و رمز موفقیت آنان چه بوده است؟

در همین راستا، یک متفکر غربی در مطلبی کوتاه، اما عمیق گفته است: «دانشمندان و متفکران و مورخان نامی و برجسته جهان معتقدند، در سرزمینی که مردمانشان تاریخ می‌خوانند، کودکانشان همانند بزرگسالان تحصیل کرده، موفق و کارآمدند و در سرزمینی که ملتشان تاریخ نمی‌دانند، بزرگسالانشان همانند کودکان می‌اندیشند و ناموفق و کم‌تجربه‌اند».

بی‌تردید هر قدر سطح آگاهی فرزندان وطن از موارث گذشتگان گسترش یابد و هر چه دامنه اطلاعات آنان در شناخت زندگی فرهنگی پیشینیان گسترده‌تر شود، نگاهی از فرهنگ ملی و محلی استوارتر خواهد شد و در نتیجه تبلور، اندیشه دیروز در نسل امروز موجب می‌شود که در مواجهه با اسباب‌های ناشی از فرهنگ بیگانه، آگاهانه و اصولی‌تر رفتار شود.

افزون بر این به جنبه‌های تاریخی و آثار بر جا مانده از گذشته در شهر و روستاها، شناساندن مناصب و همه جانبه چهره‌های ادب و فرهنگ و سیاست جامعه که همواره چون خورشید تابنده‌ای بر آسمان فضیلت این سرزمین پرتو افشانی می‌کنند از ضروریات اجتناب ناپذیر است.

اما، جای بسی تأسف است که عالم و آگاهی ما در باره برخی شخصیت‌ها و نشانه‌های گذشته چنان ناچیز است که تنها باید به بیل نام آن بسنده کرد، حتی در مواردی، نامی هم از ایشان بر جای نمانده است، در چنین وضعیتی وظیفه پژوهشگر بسیار خطیر و سنگین خواهد بود. از طرفی، منطقه جای سخن، از محدود منابعی است که به جهت داشتن تاریخی کهن و ویژگی‌های انسانی و فرهنگی، به طور دقیق برای شناخت نیست، گرچه جسته و گریخته تحقیقاتی انجام پذیرفته و در شناخت آن اثرگذار بوده است، اما این مقدار کافی به نظر نمی‌رسد، بنابراین، به دلیل کمی منابع و از سوی دیگر، وجود آثار تاریخی، دست یازیدن به این گونه تحقیقات چالش‌زا، پژوهشگر را با مشکلات بسیاری روبرو می‌سازد.

یکی دیگر از شاخصه‌های فرهنگی و تاریخی شهر آشتیان، خانه‌های قدیمی آن است؛ بنا بر گفته کارشناسان، این خانه‌ها به دلیل امنیت همه جانبه آن، در تاریخ معماری و شهرسازی ایران ارزش ثبت و تثبیت داشته‌اند. تقریباً همه خانه‌های اطراف رودخانه و شمار درخور توجهی در بافت قدیمی و نیز محلات چند گانه، دارای سقف نوشته‌های ممتازی بوده‌اند که از نظر معماری و نوشتاری سه ویژگی، هنر، ادب و اخلاق را در دل خود داشته‌اند، این گونه تمایزهای فرهنگی را می‌توان در برخی خانه‌های قدیمی گرکان، نجف آباد و آهو (اگر مانده باشند) ملاحظه کرد.

در دوره قاجار، فرهنگ جوشن‌نویسی رواج داشت، نه تنها در خانه مستوفیان و بزرگان بلکه،

چنین رویکردی در خانه‌های برخی کشاورزان و پیشه‌وران هم دیده می‌شد. مطالب عمده سقف‌نوشته‌ها، آیات قرآن، اشعار، رویدادهای تاریخی (بیماری، قحطی، گرانی) و دعا و طلسم بود، به طور نسبی، بیشتر اشعار سعدی، شیخ محمود شبستری، خیام، فردوسی و حافظ به کار می‌رفتند و سخن سعدی در این میان کاربرد بیشتری داشته است.

به هر حال، صلابت قلعه‌ها و خانه‌هایی از خشت و گِل که روزی شکوه و آرامشی وصف ناشدنی به شهر بخشیده بودند، در این زمان، بیشتر آنها به دل تیره خاک فرو رفته و کمتر اثری از آن نمادهای کم‌نظیر دیده می‌شود، جز این، شهری که در چندین دهه گذشته صنایع دستی آن در حدّ خود کفایی بود، کشاورزی آن در حد تأمین مایحتاج شهر و روستاهای مجاور، دامداری آن در اندازه تولیدات بالا و نیز آداب و رسوم نیکو و پسندیده‌ای داشته، چرا و چگونه در مدتی محدود، بخشی از توانایی و فضیلت‌های خود را از کف داده است؟ اکنون با برنامه اصولی و توجه جدی به حفظ باقی‌مانده بافت شهر و خانه‌های قدیمی برجای مانده، می‌توان سیر و سیمای کهن آن را در تاریخ عمری و شهرسازی کشور لحاظ کرد.

اگر چنین اقدامی هر چه زودتر انجام نپذیرد، به یقین در آینده‌ای نزدیک، نه یادی و نه یادگاری در این شهر از مردمان نجیب و خوب گذشته و حال آن باقی نخواهد ماند. این شهر به دلیل پرورش شخصیت‌های علمی، فنی، ادبی و مذهبی سرشناس و متانت خانه‌های قدیمی مخروبه و نیز صلابت برج و باروی فره ریخته قلعه‌ها، حتی ذرات خشت و خاک آن گویای این نکته‌اند که: هنوز هم بقایای چنین رفتار فرهنگی و مذهبی را می‌توان در چهره مردمان و زنان سالخورده و بافت معماری قدیمی شهر، کوچه‌ها و بازار و سنت‌گرایی مردمان آن و نیز نحوه زندگی آنان احساس کرد.



از آنجا که آدمی مرکب نسیان است، در چنین امور، اگر نگرارش با بقایای و ظرافتی تام و تمام هم انجام پذیرد، باز از خطا، که زاییده فراموشی است، گریزی نماند. پیرو آن، در مرحله‌ای حساس از کار که موفق به حضور در انتشارات نشدم، متأسفانه بر اثر بی‌توجهی در چاپ نخست، چند اشتباه محرز پیش آمده که چالش آفرین شد، اما این مطلب معترضه که در پی خواهد آمد، جزء آن اشتباه‌ها نبوده و رنج‌نامه حقیر هم نیست، بلکه نقدی بر فضای سنگین حاکم بر زمان جامعه شهری ماست که، گاه حرف راست را نتوان نوشت.

بر آن گروه ببايد گريست کز پس ما حکایت کرم روزگار ما گویند^۱
نگارنده سال‌های متوالی با مورتخ و نویسنده بزرگ و نام‌آشنای ایران، شادروان دکتر محمد

ابراهیم باستانی پاریزی دوستی و صمیمیتی تمام داشت، در یکی از روزهای فروردین سال ۱۳۸۱ ش، در منزلش واقع در شهرک غرب، خیابان ایران زمین، با بزرگواری و منش درویشی خود، پیشنهاد مقدمه بر کتاب رجال و مشاهیر آشتیان را اظهار کردند، باری پس از یکی دو ماه مقدمه براساس یک رساله خطی مربوط به خاندان میرزا احمد تفرشی (قرن ۱۱ هـ) آماده شد، آن زنده یاد در انتهای گفتار خود، عیناً سخنی به نقل از همان رساله، از خصوصیات مردم تفرش (فم) آورده بودند، موضوعی که مربوط به پیش از یک قرن قبل از این می‌شود و در آن زمان چنین اخلاق و رفتار نه در فم تفرش (به گفته همان تفرشی)، بلکه بیشتر شهرهای ایران وجود داشت، وانگهی موضوع چالش‌زا از سوی یک فرد آگاه و کارآمد بوم، رقم خورده و در این جا نقل شده، جز این موارد، به خاطر رعایت حقوق نویسندگان و صداقت در امانت، به هیچ وجه جرح و تعدیل وجود نداشته، گرچه، چندین ماه بعد، موضوع را برای آن مرحوم بیان کردم، ایشان ضمن تاسف، نگارنده را در آن موضوع صاحب اختیار دانستند، منون نسخه اصل موجود است. تا در صورت لزوم، همگان بدانند، که بدعتی صورت نگرفته و هیچ فید و غرضی هم در میان نبوده، اما افرادی با درک نادرست، جنجال آفریدند و مسئله امنیتی و سیاسی کردند، پیرو آن به فاصله چندین روز، دو فرد ناشناس، تلفنی، با دشنام و ناسزا، تهدید کردند، از این پس، پیامدهای ناگواری در زندگی‌ام پدید آمد، که ذکر آن ملال آور است، به قول صائب:

از چرخ بی‌مذلت حاجت روا نکرد تا آبرو نریزی این آسیاب نگردد

همچنین، ص ۲۱۴ س ۲، مطلب کوتاهی در باره صاحب یک حذف شد. و در پاورقی ص ۲۳۷، بعد از ویراستاری در حاشیه همان صفحه با قلم قرمز آمده، در اصل و منشأ این خانواده از ناحیه «استراب» واقع در شمال ایران بوده است، و در کنار آن، جمله: ناحیه‌ای به همین نام «استراب» بر سر راه غرچستان واقع در خراسان قدیم و افغانستان کنونی قرار دارد، که دو جمله جابجا شد و اشتباهی رخ داد، با توجه به تحقیقات میدانی اخیر، دو روایت کننده، قبلی مطلب حذف شد و بدیهی است، نقل آن در هر موردی جایز نیست.

در بخش تصاویر، ص ۳۴۹، واژه، «خمینی»، نادرست تایپ شده بود، در همان بخش، ص ۳۵۰، کلمه «امارت» غلط و «نمای غربی عمارت میرزا هدایت‌الله» درست است.

همان جا در معرفی دو سر در، سمت راست، سر در منزل میرزا محمود مستوفی، و تصویر سمت چپ، سر در منزل نایب الحکومه صحیح‌اند.

برای دستیابی به مطالب، ذکر نکات ذیل ضروری است:

۱. به دلیل کمبود اطلاعات و اسناد در باره برخی روستاها که از نظر قدمت و فرهنگ دارای اهمیت‌اند. مطلبی به میان نیامده یا اندک بوده است، اگر عمری باقی باشد، در دفتر

بعدی به روستاهای، چشمه، نوده، دستجرده، زنگ آباد، راهجرد خورچه و ...، بیشتر پرداخته خواهد شد.

۲. چون نام خانوادگی بیشتر بزرگان و معاریف این سامان به «آشتیانی» ختم شده، تنظیم آن به ترتیب شهرت آنان امکان‌پذیر نبود، ناگزیر نام آنها در هر فصل، به ترتیب الفبا مرتب شده است.

۳. در این پژوهش از اسناد قدیمی، نسخه‌های خطی، فهرست‌ها، نوشته قبرها و کتیبه‌های چوبی و نیز مصاحبه با سالخوردگان آگاه سود جسته‌ام، زندگی‌نامه و بعضی از بزرگان و اطلاعات فرهنگی که در این اثر آمده، از لابلای اسناد قدیمی و نسخه‌های خطی بدست آمده، نام و برخی مسایل فرهنگی و مانند آن برای اولین بار در تاریخ و فرهنگ این سامان عنوان می‌شود، نگارنده در رهگذر این پژوهش و گردآوری به تمام روستاهای شهرستان مسافرت کرده و به گفته‌ای سالخوردگان گوش جان سپرده است، و بسی در گورستان‌های دیار آنان بر فراز قبرها و گورها تپه‌ها ساعت‌ها چرخیده، تا نام و نشانی از بزرگانی که در تاریخ فراموش شده بودند، به دست آید.

۴. در ویرایش اول، مقدمه کتاب به قلم نویسنده و مؤرخ بزرگ شادروان دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی نگاشته شد، چون مفصل جای سخن دارای اعتبار و نیز، در تاریخ اجتماعی و فرهنگی این منطقه حاوی نکات ارزشمندی است، در ویرایش دوم گنجانده شد.

۵. از آنجا که زنان سالخورده در انتقال و بیان اعتقادات و باورها، توانمندی قابل‌داری دارند و روایت آنان درست و خالی از اغراق است، مواردی از باورها، شعار و رخدادهای مندرج در این کتاب از زبان آنان بیان شده‌اند، موضوعی که در این زمان بزرگواران باید توجه جدی و بیشتری به آن نشان دهند.

۶. در ویراست دوم، پیش‌گفتار چاپ اول حذف، اما گزیده‌ای از آن در این سطرها آمده است.

۷. اسناد و تصاویر تا انتهای کتاب، همراه متن و گاه پس از آن با قید شماره آمده‌اند. افزون بر این، در مجموعه شخصی بعضی از فرهنگ دوستان، ظروف سفالی، سکه، و دست‌نوشته‌های ارزشمند متعلق به هزاره دوم تا پنجم قبل از میلاد وجود دارد که به دلیلی تصویر یا مطلبی درباره آنها ذکر نشده، اما از چند گزینه مربوط به مجموعه شخصی آقایان، کریم براتی، حسن تاج‌آبادی و مرتضی طهماسبی استفاده کردیم.

۸. شماری از رجال و مشاهیری که در این کتاب شرحی از آنان به میان آمده، در زمان حیات خود ارتباط و توجه چندانی به این شهر نداشتند، اما به جهت اینکه پدرانشان در اینجا ساکن بودند و شهرت آشتیانی دارند، در جمع مفاخر این سامان گنجانده شده‌اند.

۹. در برگ ۳ پ کتاب رجال و مشاهیر آشتیان، چاپ اول، آمده است: «ثلث هزینه چاپ

کتاب توسط برادران دهقانی تأمین شده است»، ضمن تشکر، گفتنی است، ایشان پس از انتشار کتاب، از قول و عهد خویش برگشتند و وجوه خود را به طور کامل و تمام پس گرفتند و سهمی در این کار فرهنگی نداشته‌اند.

۱۰. در آغاز کار تحقیق قرار بود، هر یک از مدخل‌ها با تصویر همراه باشد، اما به دلیل حجم زیاد مطالب، به اجرا در نیامد، پیرو آن، پاره‌ای از مدخل‌ها که مربوط به شخصیت‌های قدیمی‌تر می‌باشد، برخی با تصویر آمده‌اند.

۱۱. این کتاب با نام یاد و یادگار، دارای چهار بخش کلی است:

بخش یکم، مشتمل بر هشت فصل، در تاریخ و فرهنگ، آثار و بناهای دوره صفوی، قاجار، اوضاع اجتماعی دوره قاجار و پهلوی، تاریخچه و بناهای قدیمی روستاها، سیوشان و آشتیان از نگاه نرناه نویسان، مشاغل سنتی و ...؛

بخش دوم، در معرفی خاندان‌های بزرگ، مشتمل بر شش فصل؛

بخش سوم، در فصل شامل معاریف و مشاهیر و خوشنویسان و کاتبان؛

و بخش چهارم به فهرست اختصاص دارد.

۱۲. در فصل مربوط به معرفی آثار و بناهای تاریخی روستاها، نام بعضی از عوارض طبیعی نظیر: دره، تپه، کوه، بیابان و ... به بیان آمده است، احتمال دارد، عارضه‌ای متعلق به یک روستا نامش به اشتباه در محدوده روستای بجار آمده باشد، مانند، آبجه قزی که بیابان کردیجان است، اما ادامه آن تا روستای سررود کشیده شده و شاید نامش در محدوده آن روستا هم ذکر شده باشد، مشاهده چنین مواردی، حال از هرگونه ارزش و اعتبار قانونی است، و با استناد به آن، حقوقی به شخص یا روستایی متعلق نمی‌گیرد، یا از آن سلب نمی‌شود و تشخیص و تعیین این امور به عهده اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان است.

با توجه به آنچه یاد شد، نگارنده با علاقه فراوان و تلاش چند ساله و شوق، گاه مشکل گشایی می‌کند، با این نگاه و رویکرد در جهت ادای بخشی از دین حرفه‌ای این مرز و بوم خجسته و زادگاه خویش در مقیاس اندک به این مهم پرداخته، امیدوارم اطلاعات تاریخی و فرهنگی این کتاب پیوندی میان گذشته و حال و نیز تبادل اندیشه را میان جوانان، علاقه‌مندان و منتقدان فراهم سازد.

کار تحقیقات و تهیه مصالح بر اساس مشاهدات و مطالعات و نیز یادداشت‌های سال‌های گذشته فراهم آمده، در این میان مواردی حذف شده اما مطالب متنوع و فراوان فرهنگی و تاریخی به آن افزوده شده‌اند، حتی برای حصول اطمینان از راستی و درستی غالب تحقیقات میدانی و اطلاعات بدست آمده در چاپ دوم، دست کم به تأیید دو سه نفر از نخبگان و معتمدین آگاه محلی رسیده است، مواردی که از زبان بعضی دیگر نقل گردیده بود، چون با

تردید و ابهام همراه بود، حذف شد، که پیش‌تر به آن اشاره شد. آنچه پیش روی شماست، محصول آن است، ساده و ناچیز، دور از هرگونه ذهنیت و جانب‌داری یک سویه، بر اساس درستی‌ها و راست‌نویسی، کاری که چه بسا، از عهده دیگران بلکه همگان برآید، به قول سعدی علیه الرحمه، همه چیز را همگان دانند، اما همگان از مادر نزنند، نکته همین جاست! در این میان اندک‌اند کسانی که آسایش و لحظات خوش و تکرار ناشدنی عمر خود را فدای فرهنگ جامعه و فرسایش روح و جسم خویش سازند.

دردا که دوای پنهانی ما افسوس که چاره پریشانی ما

بر - مده جمعی است که پنداشته‌اند آبادی خویش را به ویرانی ما^۱

در پایانه بحث، ر همه محققان و دوستداران ایران در داخل و خارج از کشور و هم‌چنین آگاهان، وابستگان که اطلاعات جامع‌تری در هر زمینه دارند، چنانچه به نحوی نگارنده را آگاه و مطلع سازند، قدردان خواهم بود.

با تمام دقت و ظرافتی که در تکرار این اثر صورت گرفته، بی شک اشکالاتی در آن وجود دارد، که از چشم تیزبین آگاهان منتقدان دور نخواهد ماند، امید که نگارنده را در رفع آن موارد آگاه و یاری دهند، در این فرصت برخود فرض می‌دانم تا از همه دانشوران، صاحب‌نظران و دوستانی که هر یک به نوعی در فرایند چاپ و انتشار این کتاب یاری رسان نگارنده بودند قدردانی نماید.

نخست از ویراستار کتاب، فاضل ارجمند جناب آقای سعید علی‌عسگری که کتاب را به نحو شایسته و بدون هیچ چشمداشتی ویرایش کردند صمیمانه قدردانی می‌نمایم. همچنین از تلاش‌های جناب آقای دکتر مهدی سلیمان آشتیانی و استاد اسد الله عبدلی آشتیانی که ضمن رهنمودها، زحمت خواندن بخش‌هایی از کتاب را تحمل کردند، سپاسگزارم. همین‌طور از فرزندان فرهیخته شاعر فقید شادمان ابوالقاسم محسنی آشتیانی، که با بزرگواری و لطف هزینه مقدماتی این اثر را متبیل شدند، تشکر فراوان دارم.

در این راستا از جناب آقای حسین سپاسی آهویی که نکاتی در خور مربوط به خاندان وثوق حضرت را یادآور شدند و جناب آقای فرخ آشتی آشتیانی از آمریکا که با ارسال عکس و مطلب لطف کردند، و جناب آقای حاج حسن امیری سیاوشانی - معتمد و خبره محلی - که بارها پذیرای نگارنده بودند و نیز آقای علیرضا آشتیانی - فعال اجتماعی - تشکر فراوان دارم. در طول سال‌های تحقیق و نگارش این اثر، خانواده‌ام سختی و مرارت فراوانی را تجربه

کردند. ناسپاسی است، اگر از همراهی و بردباری تحسین انگیز همسرمان بانو مهین شمسی آشتیانی یادی به میان نیاورم.

اما در این اوضاع بهم ریخته بازار کاغذ و نشر، آنچه سرنوشت این کتاب را به نیک فرجامی رقم زد، پامردی مدیر انتشارات وزین کمال اندیشه، جناب آقای محمدجعفر کمالی آشتیانی و کارکنان محترم آن انتشارات بود که این اثر را به زیور طبع آراسته گردانیدند. همواره قدردان ایشان نیز می‌باشم.

سرانجام کار، خداوند پاک و دانا را سپاس می‌گویم که یاریم داد تا در خور توان و بضاعت خود، گامی کوچک در معرفی و پیشبرد تاریخ و فرهنگ ایران سرفراز و زادگاهم بردارم.

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار

صادق حضرتی آشتیانی

آشتیان - اسفند ۱۳۹۸